

گلیم کردستان

مژگان والیزاده اردلان

مدیریت صنایع دستی استان کردستان

واحد تحقیق و توسعه

مقدمه

هنر ایران از دیرباز تاکنون دارای چنان تنوع و گستردگی بوده است که اگر با تقسیم‌بندی‌های معمول با آن برخورد نکنیم چیزی جز سردرگمی حاصل نمی‌شود. هر دوره تاریخی شامل بخش‌های هنری مختلف همراه با فرم‌ها و نقش‌های زیبایی است که دست‌پرورده هنرمندان خلاق می‌باشند. تمامی این فرم‌ها می‌توانند دست‌آویزی جهت آفرینش یک اثر هنری دیگر باشند. در واقع یک هنرمند نسبت به هر چیزی که در اطرافش می‌گذرد ذهنی حساس و کنجکاو دارد و از کوچک‌ترین عنصر زیبا اثری هنری می‌آفریند و این حس زیباشناسی است که قدرت خیال انسان را برانگیخته و دید انسان را نسبت به تصور یک شیء دقیق می‌کند و بدینسان هنر، بخشی جدانشدنی از زندگی انسان می‌شود.

بی‌شک برای شناختن هر ملتی باید فرهنگ آن ملت را شناخت. طی قرن‌ها فرهنگ هر ملت شکل می‌گیرد، ویژگی‌های خاص خود را می‌نمایاند و کردها از اقوام دیرپای ایرانی هستند که

به نظر بسیاری از محققان نقش اساسی در تحول فرهنگی آسیای باستان بازی کرده‌اند. بنابراین تعمق در فرهنگ این قوم در خور توجه می‌باشد. لذا سعی و کوشش گردآورنده بر این بوده تا یکی از هنرهای دیرپای این قوم را معرفی نماید.

از دیدگاه نژادشناسی کردها مانند دیگر مردمان این سرزمین یعنی پشتوها و بلوچ‌ها ایرانی‌اند. تبعیدها و کوچ‌ها و ازدواج در میان قبایل مختلف در طول هزاران سال گذشته، کردها را به گروه‌هایی با عقاید و سنت‌های متفاوت تقسیم کرده است.

اکثر کردها در استان‌های کردستان و کرمانشاه و آذربایجان غربی زندگی می‌کنند. قبایل بزرگی از کردها در نواحی دور شمال شرقی ایران در رشته کوه‌های کوپت داغ خراسان و تعداد کمی در نواحی غربی ترکستان و جنوب شرقی ایران میان بلوچ‌ها سکونت دارند. در آن سوی مرزهای ایران گروه‌های کوچکی از کردها در منطقه جزیری در سوریه مستقر شده‌اند ولی تمرکز اصلی آنها در مرزهای مشترک ایران و ترکیه در اطراف شهرهای بیت لیس، ارزینجان، دیاربکر، آتاتولی شرقی، شمال شرقی عراق و داخل ارمنستان است. به دلیل پراکندگی گسترده کردها گوناگونی در هنرهای بومی آنها و همین‌طور در گلیم‌های آنان تنوع بسیاری به چشم می‌خورد که در این رابطه از گوناگونی طرح، بافت، مواد به کار رفته، اندازه و رنگ می‌توان نام برد.

گلیم‌بافی هنریست که از دیرباز در این سرزمین بوده است. مردم این خطه با عشق و علاقه زیبایی‌های طبیعت خود را بر تار و پودها نقش زده‌اند. آرزوها، نیازها و تصورات همراه با نخ‌های رنگین بر تارها نشسته‌اند. یک گلیم‌باف مانند هر هنرمند دیگری ذهن حساسی نسبت به اطراف خود دارد. طرح‌های گلیم همه حالت انتزاعی دارند و این خود به ظرافت کار می‌افزاید. به‌طور مثال می‌توان از نقش ماهی درهم نام برد. در این نقش طراح با هنرمندی تمام حوض و ماهی‌های اطراف آن، امواج آب، گلدان با گل‌های زنبق، ارژنگ (ستاره) را بر گلیم نقش زده است. لازم به ذکر است که این طرح دارای شهرت جهانی است.

نوع نگرش‌ها و مهارت‌ها در طول سال‌ها و قرن‌های متمادی پیچیده‌تر، عمیق‌تر و بدیع‌تر شده است. در طی سال‌های گذشته تاکنون طرح‌های بسیار متنوعی در آثار گلیم‌بافان کرد آفریده شده است.

هدف از این تحقیق جمع‌آوری طرح‌های خاص این ملت، تاریخچه آن رنگ‌ها و مواد خاص آن، طرز ساخت و ویژگی‌های آن و مراکز مهم این هنر می‌باشد.

هدف این است که با معرفی این هنر دستی و احیاء طرح‌های فراموش شده بتوان جایگاه در خور ارج این هنر را در میان هنرهای دستی جهان مشخص نمود. در این راستا حمایت از هنرمندان این رشته و گسترش فعالیت‌های آموزشی از طریق کارگاه‌های دولتی و پشتیبانی‌های مالی دولت از این هنر دستی، بسیار الزامی است. چه بسا با سرمایه‌گذاری در این رشته و سیاست‌گذاری صحیح به منظور بهره‌برداری مطلوب‌تر در تولید و سپس هدایت تولیدات به سوی بازارهای جهانی موجب افزایش منابع ارزی کشور شود.

این گردآوری با کمک هنرمندان عزیز خانم‌ها خدیجه علی‌پناه و اکرم کریمی و آقایان سعید نظری و فردین صادق ایوبی همچنین مسئولین محترم چون آقای قرنی صورت گرفته است.

وضعیت صنایع دستی در استان کردستان

می‌توان صنایع دستی را به آن گروه از تولیدات اطلاق کرد که عمدتاً با دست و ابزارهای ساده، ساخته و پرداخته شود و مهارت ذوق و بی‌ش انسانی در تولید آن نقش اساسی داشته باشد.^۱

صنایع دستی هر منطقه براساس فرهنگ، تمدن و شرایط اقلیمی خاص خود و همچنین امکانات ابزاری و مواد اولیه موجود در منطقه، شکل می‌گیرد. در واقع در صنایع دستی هر ملتی می‌توان فرهنگ، تمدن و پیشینه تاریخی آن ملت را دید.

در کردستان علاوه بر دامداری و کشاورزی که از مشغولیت‌های اصلی منطقه محسوب می‌شود، صنایع دستی یکی از منابع عمده و مهم درآمد مردم کردستان خاصه روستاییان است که در واقع مواد اولیه آن ارتباط مستقیم با دامداری و کشاورزی دارد، از جمله صنایع دستی برجسته در کردستان گلیم و فرش و محصولات فرعی آن و همچنین گیوه‌بافی، نازک‌کاری و خراطی می‌باشد.

در کردستان کمتر خانواده روستایی را می‌توان یافت که به‌طور مستمر به فعالیت و تولید صنایع خانگی مخصوصاً قالی، گلیم، موج و انواع دیگر صنایع خانگی نپردازد. در کردستان نیز



مانند دیگر نقاط دنیا هنر بافندگی از دیرباز منحصر به زنان بوده و هنوز بخشی از وظایف روزانه آنان را در خانه و زندگی روستایی تشکیل می‌دهد. در واقع زنان روستایی در کنار کار طاقت‌فرسای کشاورزی در اوقات فراغت و یا در فصل‌هایی چون پاییز و زمستان به کار نخ‌ریسی و بافت گلیم و فرش می‌پردازند و معمولاً دختران جوان برای تجهیزیه خود گلیم یا فرش تهیه می‌نمایند.

از آنجائی که فرش و گلیم کردستان با ارزش افزوده خاص خود همیشه دارای خریدارانی در بازارهای داخلی و خارجی بوده است، در میان تولیدات صنایع دستی منطقه جایگاه خاصی دارد. توسعه این رشته رابطه تنگاتنگی با رشد دامداری در منطقه دارد و در واقع جهت تأمین مواد اولیه گلیم و فرش باید در این بخش از فعالیت‌های روستایی (دامداری) سرمایه‌گذاری بیشتری نمود.

تاریخچه گلیم

ریشه و منشاء اصلی هنر بافندگی از ابهامات تاریخ زندگی بشر است. آنچه مسلم است این است که انسان از پیش از تاریخ بنا به نیاز خود صنعت بافت را آغاز نموده و از آثار کشف شده معلوم می‌گردد که پایه و اساس هنر و صنعت بافندگی از همان روزگار بوده است.

بافندگی در مناطق گوناگون و در زمان‌های مختلف بی‌وقفه رو به پیشرفت بوده است. منابع تاریخی بسیاری در مورد بافندگی و نوع و کیفیت آن، چون ایلید، هومر و کتاب مقدس انجیل باقی است. در نقاشی‌های ابتدای مقبره‌های مصری آشکارا بافندگان در حال کار تصویر شده‌اند. همچنین در نقوش تابوت‌های سنگی مکشوفه در اطراف رود نیل نقوش مراحل مختلف بافندگی را که قدمت آن به حدود هزار سال قبل از میلاد می‌رسد می‌توان یافت.^۲

محققان در این‌باره معتقدند هنر و صنعت بافندگی ابتدا در میان قبایل چادرنشینی پدیدار گشته که کار عمده‌شان گله‌داری بوده، اینان پوست گوسفند را به‌جای زیرانداز در چادر و همچنین برای پوشش تن خود مورد استفاده قرار می‌دادند و به تدریج ریستن و بافتن آن را شروع کرده و مهارت و تنوعی در کار خود به‌وجود آوردند که سرانجام قالی، گلیم و امثال آن را تهیه کرده‌اند.

تردیدی نیست که گلیم‌بافی به علت سادگی و نیاز به مواد اولیه کمتر زودتر از بافت قالی، که پیچیدگی بیشتری دارد و نیازمند مواد و وسایل گوناگون می‌باشد، شروع شده است. متأسفانه به علت اینکه رشته‌های نخ و پشم دوام فوق‌العاده‌ای نداشته، در مقابل باد، باران، آب و عوامل طبیعی دیگر زیاد مقاوم نیستند کمتر می‌توان نمونه‌ای از گلیم‌ها یا قالی‌های چند هزاره پیش را یافت. ابزارهای بافندگی نیز مانند شانها، دوک‌های نخ‌ریسی، دارهای چوبی و دیگر آلات بافندگی کهن چنان‌که از جنس استخوان و یا چوب بوده باشند مدت زیادی در زیر خاک محفوظ نمی‌ماند و به همین دلیل فقط ابزار سنگی بافندگی به‌جای مانده، سابقه تولید بافندگی را نشان می‌دهد.^۳

در ایران گلیم‌بافی در بین عشایر از دیرباز وجود داشته و امروزه در میان تمامی آنان بافت گلیم با روش‌های کاملاً سنتی حفظ شده و رواج دارد. از ویژگی‌های خاص گلیم سبکی و قابل حمل بودن آن است. بنابراین عشایر و چادرنشینان برای مصارف گوناگون آن را تولید و استفاده می‌کنند.

گلیم علاوه بر ایجاد آسایش همچون زیورآلات، البسه، اثاث چادر و پوشش حیوانات، نشانگر هویت روستاییان و چادرنشینان است و به همراه قالی‌های گره بافت و فلزات قیمتی و حیوانات بخشی از ثروت اشخاص و قبیله به‌شمار می‌رود.^۴ دارهای گلیم‌بافی عشایر عموماً دارهای افقی است که از نظر سهولت حمل و نقل امکان جمع کردن آنها حتی در شرایطی که گلیم به‌صورت ناتمام روی آن باشد موجود بوده است.

امروزه در برخی از مناطق روستایی کشورمان دارهای افقی گلیم‌بافی به دارهای عمودی که با شرایط زندگی روستاییان تطابق بیشتری داشته و نیاز به فضای کمتری نیز دارد تبدیل شده است. البته هنوز هم در روستاهای زیادی از ایران استفاده از همان دارهای افقی رایج است. گرچه از سابقه تاریخی هنر گلیم‌بافی و زمان شروع آن در کردستان اطلاع دقیقی در دست نداریم، بدون تردید به همراه حصیربافی، نمدمالی در ردیف نخستین صنایع و هنرهای فلات ایران قرار دارد و از زمان‌های بسیار دور به‌عنوان زیرانداز گرم و مناسب و قابل حمل جهت استفاده در نقاط سرد و

کوهستانی و نیز در مقام دست‌بافته‌ای از تار و پود محکم و مقاوم برای نگهداری و حمل اشیاء و آذوقه و تزئین منازل روستاییان مورد نظر بوده و کاربرد همیشگی داشته و دارد. در گذشته شهر سنندج مانند دیگر مراکز استان، مرکز معاملات و خرید و فروش روستاهای اطراف بوده و روستاییان تولیدات و محصولات خود را به شهر می‌آوردند و با مایحتاج خود معاوضه می‌کردند. از جمله تولیداتی که روستاییان داشته‌اند بافندگی به گونه‌های مختلف بود. جدای از بازار داخلی، محصولات تولید شده در کردستان در مرزهای کشور با یک سری از کالاهای مورد نیاز معاوضه می‌شد، در میان این تولیدات گلیم و فرش که ساخت صنعتگران منطقه بود از اهمیت خاصی در تجارت برخوردار بود که جدای از مصرف داخلی استان بزرگ‌ترین هنر صادراتی استان را در گذشته تشکیل می‌داد.

انواع دست‌بافته‌ها در منطقه

علاوه بر گلیم، قالی، جاجیم، پلاس، جوراب، شال، کاله (میچ‌بند)، دو نوع کلاه، نوعی پسک، دستکش، خورجین، مفرش، پاپوش (کلاش)، جل اسب و افسار، دست افسار و طناب تور و نوار بافته می‌شود. این بافت‌ها عموماً از پشم و بعضاً از موی بز بوده است.

در بعضی نقاط مانند زاوه‌رود اورمان که جزء حوزه نفوذی شهر سنندج است، نوعی پارچه کم عرض از کرک بز به نام مرغز یا مرخوز در رنگ‌های کرم روشن، کرم تیره و قهوه‌ای، خاکستری، سیاه و دیگر رنگ‌های طبیعی بافته می‌شود. با این پارچه‌ها لباس کردی مردان (چوخورانک) دوخته می‌شود. پارچه‌ای دیگر نیز به نام کرباس در این منطقه بافته می‌شود که برای لباس از آن استفاده می‌شود. نوع دیگر زیراندازی به نام پلاس در روستاها بافته می‌شود، پلاس عبارتست از تار و پود کهنه گلیم‌های روستایی که از هم باز می‌کردند و آن را در دیگری می‌جوشانند و پشمی زمخت و ناصاف به دست می‌آید. سپس آن را ریسیده و نخ پشمی کلفتی تولید می‌شود. بعد بدون اینکه آن را رنگ بزنند دوباره به صورت گلیم می‌بافند و این یک زیرانداز بسیار ارزان‌قیمت است. لازم به ذکر است در این نوع دستبافت از تکه پارچه‌های زائد و کهنه نیز استفاده می‌شود.

در خانواده خودکفای عشایری و روستایی منطقه کردستان به خصوص مناطق صعب‌العبور اورامانات دست‌بافته‌هایی جهت پیچیدن رختخواب و نیز جانماز جهت ادای فریضه نماز تهیه می‌گردد و این به صورت یک هنر خانگی و روستایی در این منطقه وجود داشته است.

طرح‌هایی متفاوت چون دو محراب، محراب دارکشکولی، سرکوتره، محراب دار و سرکوتره، سلسله و سرکوتره، دو طرف سلسله و محراب در وسط روی جانمازها بافته می‌شود.

بیشتر طرح‌ها چهارخانه حاشیه‌دار است. طرح چهارخانه سیاه و سفید به نام تگر (تگرگ) است که خطوط زیگزاگی آن آذرخش را نشان می‌دهد. در بانه و سقز رختخواب‌پیچ را اغلب چهار یا پنج تکه می‌بافند و به هم می‌دوزند. طرح متداول آن به شکل پرنده به شیوه‌ای خاص است. موج‌های کردستان بسته به عرض دستگاه بافندگی و نظر بافنده از سه یا چهار تخته (با تراژ مشخص) تشکیل می‌شوند. سپس این تخته‌ها را با استفاده از نخ یا پشم رنگی از عرض به هم می‌بافند و معمولاً محصولی در اندازه ۲×۲ متر به دست می‌آید. نقش موج اکثراً به صورت شطرنج ریز و درشت بافته می‌شود.

در واقع در هر دیاری از کردستان شکل‌ها و طرح‌های متعددی دیده می‌شود که از زمان‌های گذشته به وسیله بافندگان محل تکرار و محافظت گشته و سرانجام به دست هنرمندان امروز سپرده شده‌اند. این نقش‌ها به سبب نوع بافت دستبافته‌ها بنیادی ساده و انتزاعی هستند که به نوبه خود حاوی بعضی از اعتقادات و دلبستگی‌ها و واقعیت‌های موجود در زندگی مردم می‌باشند.

رایج‌ترین شکل کار وجود نقش بزرگی در وسط دستبافته است که اغلب در اطراف آن نقش‌های کوچک‌تری به صورت قرینه دیده می‌شود. در موقع بافت نصف این نقش‌های بزرگ روی هر تخته موج کار می‌شوند که پس از دوختن تخته‌ها به یکدیگر به صورت یک طرح کامل درمی‌آید. گاهی نیز روی هر تخته و به طور جداگانه یکی یا چند نقش بزرگ و یا خرده‌نقش‌های کوچک‌تر به طور کامل در یک تخته بافته می‌شود. در هنگام بافت با تعویض وردها می‌توان دو گونه بافت متفاوت ایجاد نمود که در اصطلاح محلی به موج‌های نقشین و ساده مشهورند. طرح‌هایی دیگر نیز چون سرکوتره، محراب‌دار، سلسله‌دار و همین‌طور شانهای را در موج‌های کردستان می‌بینیم.



در حال حاضر جهت رنگرزی نخ‌های پشمی اکثراً از رنگ‌های شیمیایی استفاده می‌شود ولی رنگ‌های سنتی مانند قرمز سیر، قرمز روشن، صورتی، زرد طلائی، زرد نارنجی، نارنجی، سبز سیر، سبز روشن، سرمه‌ای، آبی متمایل به بنفش و گاه سیاه را همچنان به‌کار می‌گیرند. سیاه برای تفکیک و جداکردن محدوده نقش‌ها کاربرد زیادی دارد و سه رنگ اصلی زرد و آبی و قرمز به همراه سبز و زرد و نارنجی رنگ‌های جدایی‌ناپذیر از موج این سرزمین به‌شمار می‌روند.

لازم به ذکر است بافته‌هایی چون جانماز، موج و پارچه‌های کم عرض به مانند مرغز همگی توسط یک نوع دستگاه بافته می‌شود و استادکار بسته به نوع آنها ممکن است گاهی در عرض دستگاه خود تغییراتی بدهد، ابزار کار جولاها شامل یک دستگاه چهار وردی (با حرکت ضربه‌پا)، چله‌کشی دستگاه (که تارهای آن پشمی و در برخی موارد پنبه‌ای است) ماسوره‌پیچ، ماکو، شانه ساخته شده از نی و ماسوره فلزی می‌باشد.

در خانواده‌های معمولی و بیشتر در خانواده‌های کم درآمد نوعی گلیم مرسوم بوده که کلفت و زمخت و مواد به‌کار رفته خیلی ضخیم و ناهموار بوده و در اصطلاح محلی به آن (بر) می‌گویند. تارها در این نوع گلیم شاید یک سانت از هم فاصله داشته باشد این نوع گلیم فقط زیرانداز بوده و به علت سنگینی آن چندان جابه‌جا نمی‌شود. در گذشته نقوش آن بسیار ساده و تنوع رنگ در آن بسیار کم بود، امروزه این نوع گلیم در بعضی نقاط بافته می‌شود البته مقداری ظریف‌تر و در نوع خود از زیبایی خاصی برخوردار می‌باشد.

از دیگر دست‌بافته‌ها می‌توان به چیغ‌بافی اشاره نمود که به‌وسیله حصیر و الیاف پشمی در رنگ‌های مختلف بافته می‌شود، به‌طوری‌که الیاف به دور حصیر تابیده می‌شود و در عین حال نقش‌های زیبایی در حین بافت بر روی حصیر ایجاد می‌گردد.

جاجیم: نوعی دیگر از دست‌بافته‌ها است که دو نوع است، یکی جاجیم راسته و دیگری جاجیم شقه که جاجیم راسته مانند بقیه جاجیم‌های مناطق ایران است ولی جاجیم شقه محصول بیلاق و اسفندآباد و گروس و افشار می‌باشد و بافتی پیچیده‌تر و نقوشی هندسی دارد.

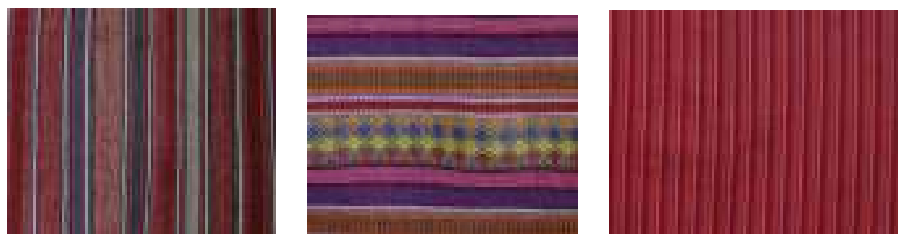
پشت و روی این جاجیم با هم فرق دارد و این جاجیم در عرض کم حدود بیست سانت بافته و سپس به هم دوخته می‌شود. ابزار کار نیز سه پایه و (بوش) است.

جوراب‌های محلی که در شهر سنندج بافته می‌شود و کلاه‌هایی که آن را (تاقیله) می‌گویند شباهت بافت جاجیم شقه را دارد. این نوع جاجیم هم مرغوب‌تر و هم گران‌تر است و موادی که در آن به کار برده می‌شود دارای تنوع بیشتری بوده و نخ تابیده آن باریک‌تر است. از نقشه‌هایی که در حال حاضر در جاجیم استفاده می‌شود می‌توان از طرح‌های افشار، خشتی، اوزک قاش، ناختی بز، بادامی، ساده، سیرگا و جول‌ها نام برد که کمتر مربوط به این منطقه است و از دیگر نقاط کشور آمده است.

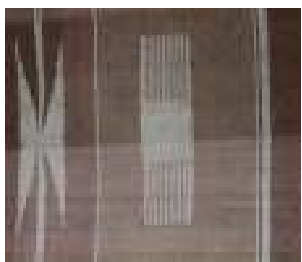
چتته: از فرآورده‌های گلیم است که معمولاً به‌عنوان کیف دستی زنانه و گاهی نیز در اشکال تزئینی مورد استفاده قرار می‌گیرد. چتته عبارت است از دو قطعه گلیم که با ظرافت از سه طرف به‌صورت پاکت به یکدیگر دوخته شده و در قسمت پایین دارای آویزها و منگوله‌های رنگین است که گاهی خرمهره‌های رنگین به‌عنوان طلسم به آن وصل می‌شود و در قسمت بالا دارای دسته‌های بافته شده از الیاف رنگین پشمی است.

سفره: از دیگر دست‌بافته‌ها سفره است. اکثر سفره‌های کردها و افشار خراسان مستطیل شکل است و در حدود ۹۰ سانتی‌متر عرض و از ۱/۸۰ متر تا ۳/۶۵ طول دارد.^۵

جل اسب نیز از دیگر بافته‌های گلیم است که در گذشته نقش‌های زیبایی روی آن بافته می‌شد.



نمونه طرح‌هایی از جاجیم سنه



موج سنه طرح شانه



جانماز با طرح سلسله‌دار

جانماز طرح دومحراب
با حاشیه سلسله

جزئیات طرح چهارخانه موج



موج با نقش چهارخانه ریز و درشت

در این دو تصویر شباهت موج و جانماز را در این منطقه می‌بینیم.



طرح جانماز با نقش دو طرف سلسله و محراب در وسط



نمونه‌ای از جاجیم شقه

فرش

فرش کردستان از معروفیت خاصی برخوردار است. از قدیم‌الایام در این منطقه بافت فرش مرسوم بوده و طراحان و بافندگان بر همین اساس نقوش خاص خود را در منطقه خلق نمودند که به جرئت می‌توان گفت بسیاری از آنها شهرت جهانی یافته است مانند نقش ماهی درهم، نقشه موسایی و کلاه فرنگ.

از دیگر نقش‌های شناخته شده در فرش کردستان می‌توان از شوره بی (بید مجنون)، گربه و موش، عروس و داماد، گل میرزا علی، نقش و کیلی، گل مینا، انواع جقه (مثل جقه چارکی، جقه ریز، جقه زمردی، جقه توپی، جقه دوگره‌ای)، گل هه مرو (گل‌ابی) نام برد؛

در واقع بافته‌های کردستان به سه بخش تقسیم می‌شود: بافت سنه، بافت بیجار و بافت عشایر (هاوشار). قالی بیجار (از توابع سنندج) نیز دارای شهرت جهانی بوده و از لحاظ تکنیک، بافت، طرح و رنگ جایگاه بسیار خوبی برای خود باز کرده است. قالی بیجار از لحاظ ارزشیابی هنری در دنیا مقامی خاص دارد. گره فرش بیجار گره متقارن ترکی است و معروف به بافت گروسی است و از لحاظ ترکی بافت بودن در آن منطقه با بافت ترکی افشار فرق می‌کند. در افشار اول تار زیر را می‌گیرند و بعد تار رو را، ولی در گروس برعکس اول تار رو را می‌گیرند بعد تار زیر را، و جهت گره پرزها با هم متفاوت است.

قالی بیجار در اصل با دو پود بافته می‌شده ولی جدیداً نوع سه پود آن نیز به بازار عرضه شده است. از نقشه‌های مشهوری که در بیجار بافته می‌شود می‌توان از ماهی درهم، اژدر دهن گل، بچه اژدر، شاه عباسی، بند رومی، میناخانی، خرچنگ، دارگل، شکارگاه و بهارستان نام برد. این اجمال را که دربارهٔ بافندگی در کردستان اشاره کردیم مقدمه‌ای بود بر سر موضوع اصلی یعنی گلیم که به آن می‌پردازیم.



۳ نقشهٔ عروس و داماد



نقشه وکیلی با طرح لاک‌پشت و خورشید و خوشه گندم با جقه



طرح مینا خانم (مینا خانی)



نقشه کلاه فرنگ با طرح هراتی (ماهی درهم) در قطع پشتی (تک ترنج با کله روسی)



نقشه همرو (گلابی) متن ماهی درهم با حاشیه گل و برگ



نقشه شوره بی (بید و مجنون) با حاشیه فرهاد میرزائی



نقشه شوره بی (بید مجنون) با حاشیه جقه قهر و آستی



کناره ترنج دلر متن ماهی درهم حاشیه فرهاد میرزایی



نقشه جقه یحیی چلمه با حاشیه زری



جفۀ چارکی با حاشیۀ فرهاد میرزائی



نقشه جقه زمردی



نقشه گل میرزا علی (نوعی گل فرنگ) با حاشیه نوعی از فرهاد

گلیم کردستان

سنه: سنه که اکنون به سنندج شهرت دارد و مرکز استان کردستان است نام خود را به دسته‌ای از گلیم‌های ظریف بافت قرون ۱۸ و ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ داده است.

گلیم‌های سنه چه از نظر فنی و چه از لحاظ زیباشناسی با دیگر گلیم‌هایی که توسط قبایل و چادرنشینان کرد بافته شده تفاوت دارد. در بافت آن نوعی ذوق هنری دیده می‌شود و بیش از گلیم‌های دیگر به فرش‌های گره‌دار ایرانی شبیه است.

در ایران چندین نوع بافت گلیم داریم که مشهورترین و پرستفاده‌ترین آن نوع چاک‌دار است. بافت چاک‌دار موجب ایجاد ظریف‌ترین بافت گلیم می‌شود. نوع گلیمی که در سنندج بافته می‌شود دارای ویژگی منحصر به فرد این شهر است که از نوع بافت چاک‌دار است، بافت منحنی دارد و نسبت به سایر مناطق در ارجحیت است. اکثر مناطق هندسی بافت می‌باشند.

گلیم‌های سنه در اندازه کوچک بوده و با بافت چاک‌دار و روش غیر معمولی با تارهای پنبه‌ای و پودهای پشمی بافته شده‌اند و اغلب با به‌کار بردن نخ ابریشمی و فلزی بر زیبایی آنها افزوده شده است. نقش‌ها اغلب شامل گل و بته و مو رونده و زنبور عسل است و در ترنج میانی دارای یک نقش جدولی و یا مشبک است که در داخل هریک از آنها دسته گل‌های کوچکی معروف به طرح هراتی قرار دارد. طرح‌های گل و بته‌ای زیبا از قلاب‌دوزی‌ها و زری‌های دوره صفوی الهام گرفته و غالباً در کارگاه‌ها به دلیل تقاضاهای عالی پسند اهالی شهرها تولید شده است. اگر ایران به دلیل گلیم‌های سجاده‌ای معروف نیست، در این مورد سنندج مستثنی است. گلیم‌های سجاده‌ای که در سنندج بافته می‌شود، محراب پیازی شکل آنها ممتاز است.

گلیم سنندج ارزش جهانی و واقعی آن توسط کلکسیونرها در مزایده‌های دهه‌ای ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ شناخته شده است^۶ و بالاخره در سال‌های ۱۹۸۰ گلیم سنه به اعتبار شایسته خود در دنیای غرب دست یافت.

گلیم بیجار سندج

بیجار (به معنای ترکیبی از گروه‌های مختلف مردم) شهری تجاری در حاشیه کردستان است. گلیمی که با نام بیجار شناخته شده مربوط به خود شهر و ۴۰ روستای اطراف آن است. بعضی از این گلیم‌ها نسخه‌های ساده گلیم‌های سنه با پشم زیر و رنگ‌های تند است. تعداد زیادی از گلیم‌های بیجار که حالت انفرادی‌تر و متمایزتری دارند، دارای بافت‌های چاک‌دار پشمین و تارهای نخی است. گلیم‌های بیجار را نمی‌توان به راحتی از گلیم‌هایی که در غرب و شمال‌غربی کردستان مانند شاهسون بافته می‌شود، تشخیص داد.

گلیم بیجار معمولاً طویل و باریک است و در آن از ترنج‌های رنگین مثلثی و یا لوزی شکل استفاده می‌شود. اکثر این گلیم‌ها دو حاشیه دارند و حاشیه خارجی طرح لاله عباسی را از روبه‌رو نشان می‌دهد.

یکی از زیباترین و جالب‌ترین ویژگی‌های بعضی از این گلیم‌ها بافت انسان و حیوان در متن یا حاشیه آنهاست. زنان و مردان در لباس‌های سنتی خود به ترتیب از سمت چپ به راست گلیم بافته می‌شوند. این گلیم‌ها در گذشته برای هدیه به عروسان جوان بافته می‌شده است. طرح حیوانات در متن بر اهمیت گله‌های گوسفندان یا بزها به عنوان ثروتی قابل حمل تکیه می‌کنند. جل اسب و کیف‌های بیجار با اسلوب پیچ بافت بافته می‌شود. این کارهای دستی تزئینی به علت روش مشابه تابیدن پشم در آنها به سختی از کارهای قبیله‌ای مناطق اطراف متمایز است.^۷

گلیم بافی و ویژگی‌های هنری آن

آنچه گلیم را به صورت هنری اصیل معرفی می‌کند تنوع و زیبایی طرح‌ها و رنگ‌های آن است. در میان صدها گلیم به ندرت می‌توان چند گلیم پیدا کرد که شبیه یکدیگر باشند زیرا بافت آنها براساس طراحی از پیش آماده نبوده بلکه بیشتر تابع ذوق و فرهنگ خاص بافنده است. در واقع دست‌های هنرمندان همواره زیبایی‌های طبیعت را به صورت طرح‌ها و نقش‌ها بر گلیم منعکس ساخته‌اند و بسته به بافنده آن و نوع ضربات دفتین و مقدار کشش پودها و تنظیم تارها باعث گوناگونی بافت می‌باشند. از دیگر ویژگی‌های هنری گلیم نقوش عامیانه است که از ذوق، هنر،

احساس و اعتقادات بافنده سرچشمه گرفته و این نقوش در مورد انسان، خطرات و اندیشه اوست. نقش و نگارها ضمن اینکه ظاهری عینی و طبیعی گرا دارند مالمال از تمثیل و استعاره و رمز و رازهای جهان معنوی بوده و بازتابی از آرزوهای بلند انسان می‌باشند و دفتر ثبت اعتقادات، ایمان‌ها و باورهای آنها و انتقال آن از نسل خود به نسل بعد می‌باشد.

نحوه چله‌کشی

چله‌کشی به دو روش فارسی و ترکی کار می‌شود. در منطقه کردستان چله‌کشی گلیم به روش فارسی انجام می‌شود.

چله‌کشی به روش فارسی

- ۱- عمل دواندن چله خارج از تار انجام می‌شود؛
- ۲- چله آماده شده روی دستگاه سوار می‌شود؛
- ۳- کوچی را روی دستگاه نصب و عمل کوچی‌پیچی انجام می‌گیرد؛
- ۴- گلیم‌بافی ابتدای چله به روش فارسی انجام می‌شود.

تذکراتی در مورد چله‌کشی به روش فارسی

- ۱- نخ چله باید در وسط کارگاه و دوطرف مساوی باشد؛
- ۲- نخ چله باید یکسان باشد و شل و سفت کار نشود؛
- ۳- قطر نخ چله یکسان باشد؛
- ۴- در قسمت بالایی روی چوبی که به وسیله ماژیک علامت‌گذاری شده، علامت‌ها باید یکسان بوده و تعداد تارهای چله در هر ۱۰ سانت به یک اندازه باشد.
- ۵- چنانچه موقع چله‌کشی بافنده محل کار را ترک نمود باید سر نخ را بین تارهای بافته شده قرار دهد تا از شل شدن چله جلوگیری شود.

گردبافی چله‌کشی

مرحله دیگر چله‌کشی، گردبافی است. در این روش تارهای پشتی به راحتی به جلو آورده شوند و آنها را در بافت وارد می‌کنند. گرد و پشت گرد باعث حرکت سریع در حرکت پودها در

لابه‌لای تارها می‌شود و با کمک گرد و پشت گرد تارهای جلو و عقب به صورت راست و چپ قرار می‌گیرد و نقوش در آن به راحتی اجرا می‌شوند. تارهای عقب و جلو باید مساوی باشند. در غیر این صورت نقوش ناهماهنگ و ناموزن خواهد شد و باعث عملکرد اشتباه در گرد و پشت گرد می‌شود. نحوه قرار گرفتن تارهای جلو و عقب بدین صورت است. یک تار جلو و یک تار عقب قرار می‌گیرد که به آن جفت گفته می‌شود. اگر ۲ تار جلو یا ۲ تار عقب پهلوئی هم باشند باید یکی از آنها قیچی گردد چون اضافی است.

سفیدبافی (بره پو)

در قالی و گلیم قبل از شروع به بافت برای هماهنگ کردن و متناسب کردن میزان فاصله بین تارها و نیز تهیه بستری موازی و راست برای شروع بافت ایجاد می‌شود که از جنس تار و اغلب پنبه‌ای است. سفیدبافی بیشتر بدون شکل و ساده است و نخ به صورت ممتد به ارتفاع چند سانتی‌متر (بسته به نظر طراح و عرف محل بافت) عرض فرش را می‌پوشاند، که این قسمت در فرش‌بافی، گلیم‌بافی می‌گویند و گاهی دارای نقش‌های پرزدار است، اما در گلیم به این قسمت بافت سفیدبافی و در زبان محلی کردی (بره پو) می‌گویند.

ساده‌بافی (ساکار)

برای بافت قسمت‌هایی از گلیم که بدون طرح هستند و درصدی از سطح آن نسبت به قسمت‌های دیگر از تراکم طرح و رنگ کمتری برخوردارند و چون اجرای این قسمت‌ها نیاز به مهارت بافنده در جلوگیری از جمع شدن و کاهش عرض گلیم و نیز جلوگیری از عدم یکنواختی در تراکم چله به نسبت طول زیاد یک رنگ در عرض گلیم می‌باشد، باید این قسمت‌های ساده و بدون طرح را نیز به صورت اجزای ریزتری درآورد که در عین یک رنگ بودن دارای طرح است و باعث بافت صحیح گلیم و زیبایی زیاد آن می‌گردد. این بافت به توری‌بافی مشهور است.

شیرازه

شیرازه گلیم در مقابل عوامل گوناگون مقاومت می‌کند. معمولاً روی دار و هنگام کار بافته می‌شود. مهارت بافته در هموار نگه داشتن، کشیدگی گلیم هنگام کار موجب ایجاد شیرازه‌های راست و مستقیم است. نحوه شیرازه‌دوزی براساس ضخامت و وزن گلیم انتخاب می‌شود که غالباً با بود زمینه به دور دو یا چند رشته تارهای بیرونی پیچ‌بافی می‌کنند. اما در گلیم سبک و نازک پیچ‌بافی به دور یک رشته تار انجام می‌شود. کناره‌های عرض گلیم برای جلوگیری از باز شدن پودها و محکمی بافت و محافظت گلیم بافته می‌شود.

ریشه‌ها و منگوله‌ها

چندین نوع ریشه و منگوله در سنج بافته می‌شود:

- ۱- ریشه‌های گره‌دار؛
- ۲- ریشه‌های گیس بافت؛
- ۳- ریشه‌های پیچیده که در سنج بافته می‌شوند.

شیوه بافت در گلیم

برای بافتن یک نقش در مناطق مختلف شیوه‌های بافت متفاوتی را مشاهده می‌کنیم. شیوه به کار رفته در بافت کردستان بافت چاک‌دار است که در این روش نخ پشمی رنگ شده را در لابه‌لای تعداد معینی از تارهای گلیم به تناسب طرح رد کرده و با سوکه^۱ یادفه^۲ می‌کوبند و اگر در کنار و اطراف این نقش نخ پشمی دیگری با رنگ دیگری قرار بگیرد، حدفاصل این دو، سوراخی ایجاد می‌شود که در گلیم‌های بسیار مرغوب این سوراخ‌ها بسیار ریز بوده و نشان‌دهنده مهارت بافته در اجرای نقشه می‌باشد. بافت چاک‌دار عمدتاً در طرح‌های بیجار مشاهده می‌شود.



حاشیه در گلیم کردستان

حواشی نیز دارای نقوشی خاص با اسم‌هایی خاص هستند و اندازه‌های آنها بستگی به ابعاد مختلف گلیم دارد، مثلاً اندازه حاشیه گلیم پستی بهتر است کمتر از ۶ سانت و برای زیر جانمایی ۱۰ سانت باشد.

حواشی خود زیبایی خاصی به گلیم می‌دهند، مانند قابی که تابلو را در خود نگه داشته است. نقوش معروف حاشیه عبارتند از حلیمه، زری، خورشیدی، فرهاد میرزایی، گل بان گل، خرچنگی، مروارید، گل و برگ، گل و گوجان می‌باشند. این حواشی مشهور ارزش خاصی به گلیم می‌دهند بعضی از طرح‌ها با نام کسانی که آن را به وجود آورده‌اند در منطقه شناخته شده و تک تک در جای خود دارای ارزش هنری بالایی هستند.

مطالب بالا در واقع پیش‌درآمدی برای بافتن زمینه اصلی گلیم است. نکته مهم در زمینه اصلی رنگ است، رنگ‌هایی که در گذشته به‌طور سنتی در زمینه استفاده می‌شد، سرمه‌ای و لاک‌ی بوده اما امروزه به غیر از آن رنگ‌ها از رنگ‌های دیگری مانند کاهویی، پیازی و کرم نیز برای زمینه استفاده می‌شود.

بعد از بافت حاشیه بافت نقشه اصلی بر زمینه شروع می‌شود. بعضی نقشه‌ها از وسط شروع شده و بعضی از گوشه. اگر گلیم دارای محراب باشد بافنده از همان ابتدا آن را پیش‌بینی خواهد کرد.

از خصوصیات بافت در گلیم نحوه بافت آن است. بدین صورت که بافنده می‌تواند یک نقش یا قسمتی از نقش را تمام کند و بعد نقش دیگری را شروع کند. در واقع می‌تواند یک قسمت را در حدود نیم متر ببافد، در حالی که قسمت دیگر هنوز شروع نشده است این یکی از خصوصیات مهم گلیم‌باف است که البته به مهارت بافنده بستگی دارد که بتواند هماهنگی را در گلیم حفظ کند. بافنده ماهر همیشه باید رج‌های نقوش را حدوداً در ذهن خود حفظ کند تا نقوش تکراری یکسان به‌نظر برسد و در ضمن باید بافت در عرض هماهنگ و همسان باشد و تعادل کلی اجزاء فرم و شکل حفظ گردد که از خصوصیات دیگر بافنده ماهر است.

ترنج‌ها در گلیم کردستان

ترنج‌ها یا محراب‌ها از اجزاء مهم گلیم کردستان می‌باشند و مبنایی بر تمرکز چشم بیننده است. در گلیم‌های کردستان ترنج به نسبت مناطق دیگر بزرگ‌تر اجرا می‌شود که گاهی تقریباً اکثر متن را می‌پوشاند و فقط قسمت‌های به شکل لچک از متن را باقی می‌گذارد کلاه فرنگ از این جمله ترنج‌ها می‌باشد. گاهی تعداد این ترنج‌ها در گلیم به ۲ و ۳ و حتی چندین ترنج می‌رسد که با نام‌های مختلفی شناخته شده‌اند مثلاً سه ترنج کناره ترنج که با توجه به مهارت بافته می‌تواند بسیار زیبا باشد. زمینه ترنج با طرح‌هایی چون گل فرنگ، توت‌فرنگی، گل جرسه، ماهی درهم و ... کار می‌شود.

طرح و نقشه گلیم کردستان

مسئله در دوره‌های ابتدایی بافت گلیم به صورت ساده و بدون هیچ‌گونه نقش و طرح منظمی بوده است که البته استفاده از پشم‌های خود رنگ گوسفندان موجب ایجاد گونه‌ای نقوش نامنظم و ابتدایی در آن شده و این خود سرآغازی برای ایجاد نقوش و اشکالی بود که طرح‌های منظم در بافت گلیم به حساب می‌آید، که هم اکنون نیز در بعضی مناطق مشاهده می‌شود. به مرور زمان با پیشرفت کار بافتن، طراحی و ایده گرفتن از طبیعت اطراف و اجرای آن بر روی گلیم و فرش ده‌ها نوع طرح زیبا با رنگ‌های چشمگیر که غالباً از رنگ‌های طبیعی گرفته شده در این دسته بافته‌ها می‌بینیم.

بیشتر این نقوش کاربردی اعتقادی و مذهبی دارند. گاهی تنها نقش‌ها از نظر زیبایی و بعضی مواقع برای طلسم و دفع چشم زخم استفاده می‌شود. رنگ‌ها نیز هر کدام فلسفه خاص خود را دارند که آنها نیز براساس اعتقادات و فرهنگ‌های خاص انتخاب شده‌اند.

پودی که توسط دست‌های بافته در میان تارها به حرکت درمی‌آید با تصویر ذهنی بافته رابطه کاملی دارد، برخلاف قالی که نقش‌ها با گره بر تارها مشخص می‌شوند و پودهایی به ضخامت‌های مختلف به دور گره‌ها برای استحکام حلقه می‌زنند. در گلیم این‌طور نیست. پودها

با مترازهای بلند و کوتاه و رنگ‌های مختلف می‌توانند بر تارها در گوشه یا وسط گلیم یا هر قسمت که بافنده بخواهد آغاز نقش کنند و همین خصوصیات باعث هنری شدن گلیم می‌گردد. در گلیم‌های سستی نقش‌ها انتزاعی هستند. در واقع در ابتدا بیشتر به آنچه در طبیعت می‌بینیم شبیه بودند ولی کم‌کم ساده شده و حالتی انتزاعی به خود گرفته و حالتی تزئینی یافته‌اند به طوری که مشکل می‌توان ریشه آن را پیدا کرد. مثلث فرمی هندسی است که در بنیاد همه نقوش به کار می‌رود و از ترکیب آن در بسیاری از گلیم‌های کردی استفاده شده که به کمک رنگ اشکال مختلفی را ایجاد کرده است که هر کدام مشابه فرمی در طبیعت است. ستاره یا ارزنگی که آرزوی بافنده را بیان می‌کند یا نقش ماهی که نشان‌دهنده اعتقادات گذشتگان است و یا خطوطی که نقش لاک‌پشتی را نشان می‌دهد که خوشه‌ای گندم بر دهان دارد. فراوانی، برکت و طول عمر را بیان می‌کند، همگی با عالم واقعیت فرق دارد. در کل باید گفت اگر به گلیم‌هایی با نقوش سستی در سنج نظر بیفکنیم خطوطی رنگی می‌بینیم اما این خطوط در دل سخن‌ها دارند و بیننده را به فکر وامی‌دارد.

نقوش مهم در گلیم کردستان

در گلیم سنج نقوش متفاوتی است که هر کدام در کل نام ویژه‌ای دارد و اجزاء آن نیز هر کدام دارای نامی هستند. نقوش سستی که در کردستان رایج بوده و هست عبارتند از ماهی درهم، گل چینی، گل میرزا علی، گل وکیلی، گل جرسه، گل فرنگ، گل وگلدان، گل چائی، دست و دلبر، نقشه موسایی، نقشه قفقاز، گل و طوطی، بازوبند، دست دلبر، محرمات، قاب قرآن. البته در سال‌های اخیر نقشه‌های دیگری چون گل توت‌فرنگی، گل جرسه پیوندی در ردیف نقشه‌های سستی قرار گرفته است. گاه گلیم بدون ترنج است و یکی از نقوش ذکر شده به طور یکدست در زمینه کار می‌شود.

ریشه تاریخی و فرهنگی بعضی از نقوش

مشهورترین طرح سنندج کلاه فرنگ است. این طرح از لحاظ ظاهری تداخل سه لوزی می‌باشد و با زمینه اصلی تشکیل چهار زمینه طرح‌دار را می‌دهد و در بعضی نمونه‌ها یکی از زمینه‌ها (غالباً دومین زمینه از مرکز) ساده و بیشتر به رنگ سفید بافته می‌شود که به آن کف سفید می‌گویند و بیشتر در دو سر اولین و یا دومین لوزی از مرکز دو شکل به نام کله روسی قرار داده می‌شود که الهام گرفته از کلاه‌های روسی زمان تسلط آنها بر این منطقه است. نقش‌هایی که در داخل این لوزی‌ها بافته می‌شود و این سطح‌ها را تشکیل می‌دهد غالباً ماهی درهم و یا حوض و ماهی می‌باشد ولی این قاعده کلی نیست و بعضی از این نقش‌ها به صورت گل جرسه، گل چایی، گل توت‌فرنگی، گل چینی و ... بافته می‌شود. ریشه نقشه کلاه فرنگ را در دو منشاء باید جست. یکی آنکه با توجه به تاریخ کردستان در زمان کریم‌خان زند به دلیل رابطه زیاد مردم این شهر با این حکومت و رفت و آمدهای خود کریم‌خان به این منطقه و وجود کردهای زیاد در حکومت کریم‌خان (زندیه) شکوه و عظمت عمارت کلاه فرنگ در این افراد و میل و خواست و تقلید از هنر این بنا در رشته‌های هنری موجود در سنندج که قالی‌بافی و گلیم‌بافی بود باعث ایجاد این طرح گردیده است. دیگر اینکه آن را به گذشته‌ای دورتر مرتبط می‌دانند و آن تأثیر دین مانوی زرتشتی که در کردستان حتی بعد از فتح ایران توسط مسلمانان هنوز این دین را تا چند صد سال حفظ کردند و ما هنوز هم آشکارا بازمانده‌ای از این عقاید را می‌توانیم در میان مردم ببینیم. در این طرح سه لوزی می‌تواند نشانه سه اصل دین زرتشت (گفتار نیک، پندار نیک، کردار نیک) باشد.

طرح سه ترنج یکی از طرح‌های قدیمی در بافت قالی ایران و کردستان است که در اصل از قفقاز اقتباس شده است اما در واقع بافت طرح در قفقاز بیشتر در میان اکراد این منطقه صورت گرفته و دارای مشابهت‌های فراوان با دیگر دست‌بافته‌های عشایر کرد و کردهای مناطق دیگر در سایر نقاط جهان می‌باشد که نشان‌دهنده ریشه مشترک اعتقادات باستانی اقوام ایرانی مثل ادیان زرتشتی و مانوی است. این طرح از سه ترنج لوزی شکل به هم پیوسته تشکیل شده که به عقیده بعضی از کارشناسان فرش از سه اصل مهم زرتشتی گرفته شده و تقدس عدد ۳ را در میان این

مردم نشان می‌دهد و هرکس این سه اصل را به‌طور کامل رعایت کند صاحب کمال می‌شود و بهشت از آن اوست. در واقع این سه ترنج نشانه کمال است در راه تعالی.

حاشیه این نقشه نیز بستگی خاصی به متن آن ندارد و ممکن است گل روی گل، فرهاد میرزائی، برگ و گل، گل و به، حاشیه زری و امثال آن باشد. خطوط موجی شکل در حاشیه نشانه‌ای از موج‌های آب در یک جوی باریک است.

طرح ترنج یا ترنج‌دار یکی از اصیل‌ترین نقش‌های سنندج و کهن‌ترین نقشه کردستان است که از لوزی‌هایی در یک خط در داخل کادر حاشیه‌دار تشکیل شده، از دوره زرتشت باقی‌مانده است و ریشه در آیین گذشته این مردم دارد و نمادی از بهشت زرتشتیان می‌باشد.

طرح فریدونی یا قفقاز از زمان تسلط روس‌ها بر منطقه کردستان رایج گردیده است. این طرح از روی طرح‌هایی که توسط روس‌ها به این منطقه آورده شده بود گرفته و سپس تکامل یافته است. در دو سر طولی ترنج دو طرح وجود دارد که به کله روسی مشهور است و عقیده بر آن است که از روی کلاه‌هایی که روس‌ها در زمان تسلطشان در این مناطق بر سر می‌گذاشتند گرفته شده و باعث زیباتر شدن این طرح گردیده است.

گل جرسه از نام نوعی پارچه فرانسوی به نام ژرسه گرفته شده است که هنرمندان بافنده زن سنندجی از روی گل‌های این پارچه طرح را گرفته با تغییر و تکمیل طرح آن گلی قابل بافت در گلیم ایجاد نموده که از حدود ۵۰-۶۰ سال گذشته تاکنون این طرح به صورت‌های مختلف درست شده است.

گل میرزا علی در حدود ۸۰ سال پیش توسط زنی هنرمند و به توصیه شوهرش که میرزاعلی نام داشت ابداع گردید که مورد پسند مردم و بافندگان دیگر قرار گرفت و به نام گل میرزاعلی شناخته شد. این طرح از روی طرح پارچه‌های فرانسوی گرفته شد و با تغییر و اصلاح توسط این زن هنرمند قابل بافت در گلیم و فرش گردید و سپس توسط هنرمندان دیگر کامل‌تر و زیباتر گردید و اکنون انواع طرح گل میرزاعلی در فرش قابل مشاهده است.

گل فرنگ نیز مانند گل جرسه زمانی که ارتباطات بازرگانی با کشورهای اروپایی رونق یافت به نقوش گلیم‌های این منطقه راه یافت.

طرح و کیلی: طرح‌های و کیلی به طرح‌هایی گفته می‌شود که به سفارش خاندان و کیلی که از حدود چند دهه گذشته در سنندج از خدمات مالی و سیاسی برخوردار بودند، بافته می‌شد و طبیعتاً به نام صاحب سفارش که از خاندان و کیلی بودند نامیده شد. این طرح از حدود ۱۲۰ سال پیش مشهور و رایج بوده است. طرح موسایی (یهودی) این نقشه را بیشتر به این دلیل که خانواده‌های یهودی در سنندج می‌بافند موسایی می‌نامند. این طرح ترکیبی از نقوش نامنظم هندسی با حاشیه معین است که بسیار زیبا و مشهور می‌باشد و از اصیل‌ترین نقشه‌های گلیم سنندج است که در وسط گلیم نقش ترنج و سه ترنج است به طوری که سه ترنج آن حالت شکل عصای حضرت موسی را دارد و در داخل و خارج ترنج بوته‌ای، گل و برگ و گاهی حیوانی کار شده است. برای این طرح می‌توان حاشیه‌ای متفاوت به کار برد. مثل حاشیه حلیمه یا گل و برگ:



نقشه کلاه فرنگ قدیمی با طرح ماهی درشت با حاشیه حلیمه



نقشه سه ترنج کف قرمز طرح توت‌فرنگی متصل با حاشیه گل و گوجان (عصا)



نقشه موسایی (یهودی) حاشیه حلیمه



نقشه فریدونی (قفقاز) حاشیه



نمونه‌ای دیگر از نقشه فریدونی



نقشه کلاه فرنگ کف ساده (توری بافی) با طرح ماهی درهم



نقشه گل و گلدان



نقشه لچک ترنج طرح گل سرخ



نقشه لچک ترنج با حاشیه گل سرخ



نقشه گل و طوطی حاشیه گل و برگ



پشتی نقشه گلابه فرنگ با طرح گل چینی

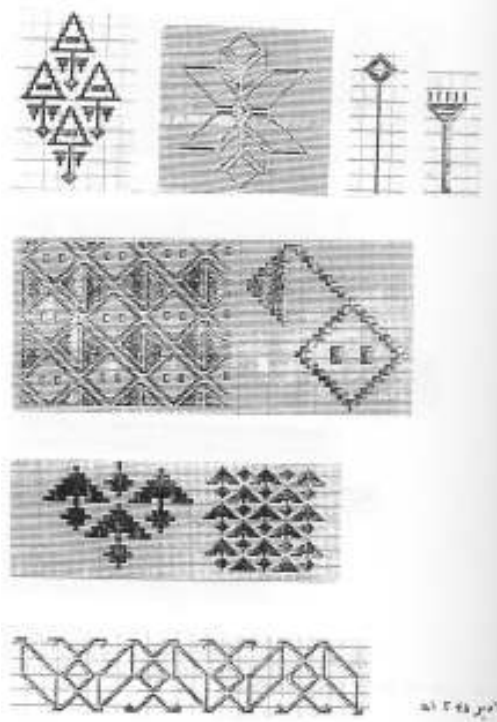


نقشه گل میرزاعلی با حاشیه گل و برگ



کاربرد نقوش گلیم در دیگر دست‌بافته‌ها

کلاه کردی یکی از منابع مطالعاتی در طرح‌های گلیم می‌باشد. بافنده گلیم چه بسا همان بافنده کلاه نیز بوده است که از طرح‌هایی که در گلیم استفاده می‌کرده در کلاه نیز استفاده کرده است. نمونه‌های ارائه شده طرح‌هایی از نقوش کلاه‌ها می‌باشد که هنوز در گلیم بافته می‌شود و یا به طرح‌های دیگر شباهت دارند.



اندازه و ابعاد گلیم

ابعاد گلیم در سه اندازه پشته، ذرع و نیمی و پرده‌ای است. ابعاد پرده‌ای ($۲/۴۰ \times ۱/۷۰$) یعنی کوچک‌تر از ۲×۳ . اما مشهورترین ابعاد، ذرع و نیمی است که به صورت جفت بافته می‌شود یعنی دو لنگه است که تارهای این دو را به هم وصل می‌کند و این تارها همان تار اصلی گلیم است. گلیم در ابعاد کوچک‌تری نیز بافته می‌شود که به آن پشته می‌گویند و همچنین در گذشته در قطع مربع جهت رویه تزئینی کرسی تهیه می‌شد که در حدود ۱۱۰×۱۱۰ سانتی‌متر بافته می‌شده است که در حال حاضر چندان معمول نیست. جل اسب نیز از دیگر بافت‌های گلیم است که فعلاً چندان تولید نمی‌شود.

اما اندازه‌هایی که در بازار جهت پشته بافته می‌شود عبارتند از ۶۰×۹۰ ، ۷۰×۱۰۰ ، ۷۵×۱۰۰ برای گلیم‌های معمولی و زیرانداز اندازه‌های زیر نیز موجود است:

$۲/۵۰ \times ۱/۵۰$	$۱/۷۰ \times ۱/۲۰$	$۱/۰۴ \times ۱/۵۶$
۳×۲	$۱/۷۰ \times ۱/۲۵$	$۱/۱۰ \times ۱/۶۰$
$۳/۵۰ \times ۲/۵۰$	$۲ \times ۱/۳۰$	$۱/۶۰ \times ۱/۲۵$

اندازه گلیم برای کناره، عرض یک متر است و طول کناره از ۳ تا ۵ متر متغیر است.

تغییر و تحول در طرح و نقشه و ابعاد گلیم

گذر زمان، نسل‌های جدید، نیازها و ایده‌های نو طبعاً تغییراتی در طرح‌ها و نقش‌ها و ابعاد گلیم ایجاد نموده است.

از حدود ۱۰۰ سال پیش به این طرف نقش‌های دیگری وارد کار گلیم‌بافی شده که صرفاً توان هنری بافنده در به‌وجود آوردن آنها نقش مؤثری داشته است. مثلاً یکی از نقش‌های مرسوم در سجاده سنه به نام گل جرسه از نام پارچه‌ای فرانسوی به نام ژرسه گرفته شده که گل زیبایی در آن بوده است. بعد از ارتباطاتی که بین اروپا و مشرق زمین برقرار شد این پارچه به دست بافندگان گلیم سنندجی افتاده و از آن بهره گرفته و نقشی را ابداع کردند که به نام همان پارچه شهرت یافت. این موضوع درباره طرح گل چینی نیز صدق می‌کند. زمانی که قوری چینی به کردستان

رسیده و در خانه‌های مردم سندج از قوری چینی برای دم کردن چای استفاده کرده‌اند بافنده گلیم از گل سرخی که دارای برگ‌های سبز بوده و روی قوری‌های چینی دیده طرحی زیبا بر روی گلیم ابداع نموده و همان نام گل چینی بر آن طرح مانده است. نقش توت‌فرنگی از زمانی که کشت توت‌فرنگی در منطقه مرسوم شد آرام آرام به طرز دلنشینی بر روی گلیم‌های سندج نشست.

در واقع می‌توان گفت که بافندگان آزادی تغییر دادن اندازه، شکل، نقش و رنگ را برای خود قائل هستند و با تلفیق آنها با هم ترکیب‌های جدیدی را به دست می‌آورند که ضمناً حاوی کل فرهنگ گذشته نیز است.

گلیم‌بافی در بعضی مناطق خیلی کمتر دستخوش تغییرات شده و این غالباً شامل مناطقی دورافتاده بوده که ارتباطات بسیار کمی با اطراف داشته‌اند. مراکز شهری اولین جاهایی هستند که رشته‌هایی که آنان را به سنت متصل می‌کرد زودتر پاره کردند اما از جهت دیگر شهرها مراکز رشد تکنیک و مرغوبیت جنس نیز هستند.

بعضی از بافندگان طرح‌هایی که مختص سوزن‌دوزی، مینیاتور و شماره‌دوزی است را بر روی گلیم پیاده می‌کنند و به بازار ارائه می‌دهند و البته این‌گونه نقش‌ها خریداران خاص خود را دارند. این گروه از بافندگان جدای از اینکه در نقش و طرح تغییراتی ایجاد نموده‌اند ابداعاتی نیز در اندازه و ابعاد گلیم داشته‌اند به‌طور مثال در فرم‌های دایره، بیضی و چند ضلعی گلیم بافته‌اند و از آنها برای مصارفی چون رومیزی، پرده‌ای، روتختی، کوسن، کیف کوچک و بزرگ، پادری و غیره در نظر گرفته‌اند.

مشخصات کارگاه‌ها

دارهای گذشته گلیم در حال بافت در چارچوب ثابت بود به‌طوری‌که بافنده در حین بافت ناچار بود همزمان با پیشرفت بافت گلیم، در مکان بلندتری قرار گیرد. این چارچوب‌ها در حال حاضر تقریباً منسوخ شده است. کارگاه سنتی بافت گلیم را دارچیو می‌گویند که شامل دو تیر عمودی و دو تیر افقی است. تیر باریکی که شروع بافت در روی آن انجام می‌شود از دو طرف در

سوراخ‌های مستطیلی که در تیرهای عمودی تعبیه شده قرار می‌گیرد و به وسیله گوه‌های چوبی تارها شل یا سفت می‌شود. دو تیر چوب‌دستی مانند در لابه‌لای تارها در حدود نیم متر بالاتر از حد بافت قرار می‌گیرد که به گرد و پشت گرد موسوم است که گرد نخ‌هایی به آن گره خورده که تارها را منظم می‌کند و پشت گرد آن را مستحکم می‌کند و در هماهنگی و اجرای نقوش نقش به‌سزایی دارند.

کارگاه‌های جدید دارای چارچوب فلزی از نوع تبریزی است. این دارها متحرک می‌باشند. در حال حاضر صنعتگران به این نتیجه رسیده‌اند که نورد بالایی و پائینی (سر دار و زیر دار) مجدداً از چوب تهیه شود که این تأثیر به‌سزایی در عدم سرکجی گلیم دارد. در نقوش بسیار ظریف از این نوع دارها استفاده می‌شود به طوری که یا نوردها از چوب تهیه می‌شود یا اگر فلز باشد پارچه‌ای به دور آن می‌پیچند.

مکان تولید

می‌توان گفت در روستاها تقریباً اکثر خانه‌ها یک دار گلیم یا قالی دارند و در فصل‌هایی که کار کشاورزی و دامداری تقریباً تعطیل است به کار بافت گلیم و قالی می‌پردازند. در شهرها هم به دو صورت خانگی و کارگاهی وجود دارد. در طی چند سال گذشته مدیریت صنایع دستی استان فعالیت‌های قابل توجهی در زمینه جذب افراد در سنین مختلف به رشته‌های متنوع صنایع دستی داشته است. در این میان کارگاه‌های گلیم‌بافی و قالی‌بافی بیش از حد ظرفیت دارای متقاضی ثبت نام بوده است. مدیریت صنایع دستی کردستان در سال ۷۹ در رشته گلیم‌بافی ۳۱۵ نفر و در سال ۸۰، ۳۹۴ نفر و در سال ۸۱، ۴۰۰ نفر هنرآموز داشته است. این آمار تنها مربوط به کارگاه‌های صنایع دستی بوده و ارگان‌های دیگر، شرکت تعاونی‌های استان و یا آموزشگاه‌های خصوصی نیز در این زمینه فعالیت‌های خوبی دارند. جدای از این حالت کارگاهی به جرئت می‌توان گفت که ۵۰٪ از خانواده‌های کردستان به صورت خانگی در این زمینه فعالیت دارند چرا که از لحاظ اقتصادی برای خانواده نقش به‌سزایی دارد.

صنایع وابسته

از صنایع وابسته به گلیم‌بافی می‌توان به صنعتی که تهیه الیاف را به عهده دارند و همچنین به رنگرزی سنتی اشاره نمود. افرادی که به تهیه الیاف مبادرت می‌ورزند ارتباط مستقیمی با دامداری دارند و همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد توسعه گلیم‌بافی رابطه تنگاتنگی با دامداری دارد.

در گذشته رنگرزی به طریقه سنتی در کردستان بسیار رواج داشت اما زمانی که رنگ‌های شیمیایی به بازار آمد به‌خصوص طرز استفاده راحت و سریع از آن موجب شد آرام آرام رنگ‌های طبیعی از دور خارج شوند که این لطمه بزرگی به صنعت گلیم و فرش زد و از لحاظ کیفیت و شفافی و درخشندگی، دست‌بافته‌ها بسیار افت کردند. در حال حاضر کارگاه‌های معدودی دوباره به رنگرزی سنتی روی آورده‌اند. طبعاً گلیم‌هایی که با چنین الیافی بافته می‌شوند از زیبایی و ارزش خاصی برخوردار خواهند بود.

فعالیت این صنایع در ابتدا به‌صورت خانگی سپس شکل کارگاهی پیدا کرد. موادی که در کارگاه‌ها جهت رنگرزی استفاده می‌شود روناس، برگ مو، پوست گردو، پوست انار، پوست پیاز، کاه، سیچله (چوبی است تلخ و در مناطق اورامانات و مریوان یافت می‌شود) و غیره می‌باشد. لازم به ذکر است که در رنگرزی به طریقه سنتی رنگرزان از سوخت طبیعی مانند زغال یا چوب یا فضله حیوانات استفاده می‌کنند. رنگرزان معتقدند که عدم وجود آنها موجب ماتی و غیر شفافی رنگ‌ها می‌شود.

نحوه فروش محصولات در استان

تعیین میزان فروش در استان با انواع سفارشات ارتباط دارد. به‌طور کلی بافندگان در استان به سه روش اقدام به بافت می‌نمایند.

۱- بافندگانی که به‌دلیل ویژگی‌های طرح و بافت تولیداتشان زیر پوشش نهادی نظیر سازمان صنایع دستی، جهاد کشاورزی، بنیاد امور مهاجرین و یا سازمان بهزیستی هستند برای صدور محصولات به استان‌های دیگر و یا خارج از کشور، تأمین‌کننده مواد اولیه و دستمزدشان هستند و به‌طور کلی این بافندگان تحت پوشش سازمان‌های نامبرده می‌باشند.

۲- بافندگانی که محصولاتی را به سفارش بازاریان و واسطه‌های فرش تولید می‌نمایند و مواد اولیه و ابزار بافت و دار فرش نیز توسط این افراد تعیین می‌شود و بافته‌ها از نظر ابعاد و طرح و رنگ کاملاً با نظر سفارش دهندگان بافته می‌شود.

۳- بافندگانی که با سرمایه خود اقدام به بافت و تولید محصول با ابعاد و طرح‌های منتخب خود می‌کنند که در بعضی موارد جنبه خود مصرفی دارد و مازاد مصرف، روانه بازارها می‌شود یا توسط خود بافندگان و دلالان فرش برای فروش عرضه می‌گردد.

پیشکسوتان کنونی در رشته گلیم بافی

از استادان بنام می‌توان خانم مهین وکیلی را نام برد. خانم وکیلی متولد سال ۱۳۳۰ ساکن شهر سنندج است. وی از همان دوران کودکی (۷ سالگی) بافتن گلیم را آغاز نمود و اکنون در یکی از تعاونی‌های گلیم و فرش سنندج این رشته هنری را تدریس می‌کند.

خانم وکیلی هر سال در نمایشگاه‌های بین‌المللی در ایران شرکت نموده، موفق به دریافت تقدیرنامه شده است و البته در سال ۱۳۷۲ به‌عنوان بافنده نمونه شرکت تعاونی‌های استان کردستان انتخاب شد. لازم به ذکر است ایشان سال‌های زیادی به‌صورت مربی از طرف اداره کشاورزی در روستاهای اطراف فعالیت داشته‌اند. ایشان مهارت زیادی در شناخت طرح‌های مختلف کردستان و بافت این نقشه‌ها دارند و البته علاوه بر بافت و تدریس نقشه‌های اصیل، نقشه‌های ابتکاری را نیز کار می‌کنند به‌طور مثال وی با بافت ساده و بسیار لطیف در برش‌های مختلف موفق به تهیه یک لباس از گلیم شده است که در نوع خود بی‌نظیر است.

از دیگر اساتید می‌توان از خانم عزیزه وفایی نام برد. ایشان متولد ۱۳۱۶ و مربی و استاد تدریس بافت گلیم و اجرای صحیح طرح‌های اصیل کردی است که سال‌ها به‌صورت مربی در میراث فرهنگی هدایت بافندگان را به عهده داشته است.

مراکز مهم این صنعت به غیر از استان مورد نظر

هنر گلیم‌بافی در دیگر مناطق ایران نیز مانند کردستان از قدمت تاریخی برخوردار است هر قومی بنا به نیازهای جوی خود و همچنین بنا به مواد اولیه موجود در منطقه دست‌بافته‌های خاص خود را دارد و نکته قابل توجه علاوه بر جنس و فرم و ابعاد دست‌بافته‌هایشان، نقش و رنگ‌های منطقه خاص خود می‌باشد. طرح‌های هر قوم بنا به خصوصیات روحی نیازهای آن مردم و انعکاسی از طبیعتی که در آن زندگی می‌کنند، می‌باشد.

بخشی از نقوش که در گلیم‌بافی ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد، تداوم نقوش اساطیری است که ریشه در روزگارانی بسیار دور دارد. وجود نگاره‌ها و طرح‌هایی از قبیل ترنج و درخت، لاله باز، لاله بسته، برگ مو و ... هرکدام نشانه‌ای از خواسته باطنی بافندگان برای سرسبزی و خرمی محیط زیستشان است.

حاشیه لوزی نشانه‌ای از حرکت آب در یک جوی باریک یا داخل حوضچه است. وجود نقش گل و خورشیدی در گلیم‌ها حکایت از برکت خورشید و زاینده گی خاک دارد که نزد بافندگان روستایی قابل احترام است. نقش بته جقه یا بته ترمه که حالت درخت سرو خمیده را دارد و در عین حال سنبل نجات و زندگی در بافته‌های روستایی و عشایری است، به دلیل سربلندی و استقامت یکی از نمادهای زندگی است. نقوش خوشه گندم، درختان افشان یا کاج‌ها نیاز بافندگان به سرسبزی محیط و طول عمر است.

تقریباً در تمام مناطق ایران گلیم بافته می‌شود اما مناطق شاخص که در این زمینه فعال هستند با طرح‌های ویژه آن بدین شرح هستند.

افشار (زنجان): طرح مخصوص افشار معمولاً ستاره‌های متعدد بر روی زمینه‌ای به رنگ طبیعی یا رنگ سیر است.

بلوچ (بلوچستان): یکی از بافت‌های خاص بلوچ، سفره است که به اصطلاح بومی جهیزی است که زمینه آن از پشم طبیعی شتر می‌باشد و اغلب ترنجی در وسط آن دیده می‌شود. گلیم‌هایشان نیز اسلوب خاص خود را دارد که میناخوانی نامیده می‌شود. سرتاسر گلیم از بافت راه راه شکل گرفته است که در هر ردیف آن نقوش متفاوت از نظر طرح و رنگ به چشم می‌خورد.

ترکمن (ترکمنستان): گلیم ترکمن سبک و محکم است. در این گلیم‌ها، رنگ مهم‌ترین عامل است و رنگ قرمز یا سایه روشن‌های مختلف نقش ویژه‌ای دارد. رنگ‌های دیگر نارنجی، آبی، سبز، سفید و گاهی زرد است. این رنگ‌های متضاد هماهنگی زیبایی به وجود می‌آورند. قبیله ترکمن‌ها طرح‌های خود را بر حسب نقش اصلی طبقه‌بندی می‌کنند که آن را گل می‌گویند و آنها را به شکل شش‌وجهی و هشت‌وجهی منقوش می‌کنند. هر گل نمودار یک خانواده است. معمولاً نقش‌های ترکمن چهار قسمت دارد، دو تاریک (شب) و دو روشن (روز).

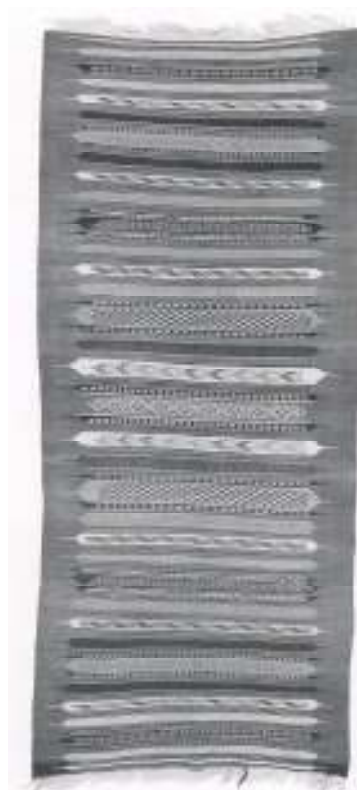
جاجیم و پلاس ترکمن از شهرت خاص برخوردار است.

خمسه: از یگانگی پنج ایل شیراز تشکیل می‌شود. بافته‌های سوماک خمسه ده بید نام دارد. متداول‌ترین طرح گلیم‌ها زمینه‌ای طبیعی به رنگ تیره است که ستارگانی مورب به صورت لوزی‌هایی متداخل بر روی آن بافته شده است. گلیم‌های ستاره‌ای را اغلب به صورت قطعات کم عرض می‌بافند و سپس به هم می‌دوزند.

ایل سون: ایل سون‌ها قبایل چادرنشینی هستند که در شمال شرقی آذربایجان زندگی می‌کنند. گلیم‌های ایل سون‌ها از بادوام‌ترین گلیم‌ها به‌شمار می‌روند. مهم‌ترین بافت ایل سون‌ها گلیم‌های سوزن‌دوزی شده و ظریف معروف به سوماک است که به زبان محلی آن را ورنی می‌نامند. طرح‌های پیچیده دیگری نیز هستند که معمولاً آنها را به روی دستگاه افقی معمولاً به صورت تکه‌های دراز و باریک به طول سه متر می‌بافند و سطح آن را سوزن‌دوزی می‌کنند و سپس به هم می‌دوزند و تکه‌های کناره‌ها نقشی بر لبه خود دارند که در سراسر طول بافته ادامه می‌یابد و پس از اینکه تکه‌ها به هم دوخته شد حاشیه‌ای چهارگوش را تشکیل می‌دهند. بهترین رو اسبی در ایران جل اسب‌های ایل سون است. این جل‌ها شش تکه‌اند که با رنگ‌های متنوع بافته می‌شوند. نقوش حیوانات که قدمت پیش از تاریخ دارد از این منطقه گرفته شده‌اند.

قشقایی: نقوش هندسی، بخش اساسی طرح قشقایی هستند و شامل نقوش هشت‌ضلعی، گل هشت‌پر، تصاویر طاووس، بز، آهو، زیلور و پرنده‌های ساده شده هستند. رنگ‌های تند و شاد از ویژگی‌های گلیم قشقایی است. اما رنگ‌های متضادی نیز در کنار رنگ‌های قرمز و زرد به کار

گرفته می‌شوند. معمولاً در دو سر گلیم چند ردیف را با طرحی جداگانه می‌بافند. در این نوع گلیم‌ها چربی طبیعی (لاتولین) موجود در پشم، آنها را در مقابل نفوذ آب مقاوم می‌کند. لز: بهترین بافته لرها خورجین بزرگ برای نگهداری اثاث خانه است. بافته‌ها اغلب مرغوب‌اند و با رنگ‌های سیاه و سبز و آبی سفید و یا نقوش خاص منطقه مشخص می‌شوند. هرسین (کرمانشاه): گلیم بافت هرسین در تمام جهان شهرت دارد. نقوش آن از شناخته‌شده‌ترین نقوش گلیم‌های ایران است. در این نوع گلیم از فرم‌های مشخص و حیوانات یا طراحی خاص استفاده می‌شود. حاشیه‌ها بیشتر به صورت چهارضلعی، لوزی، یا مثلثی به دنبال یکدیگر هستند.



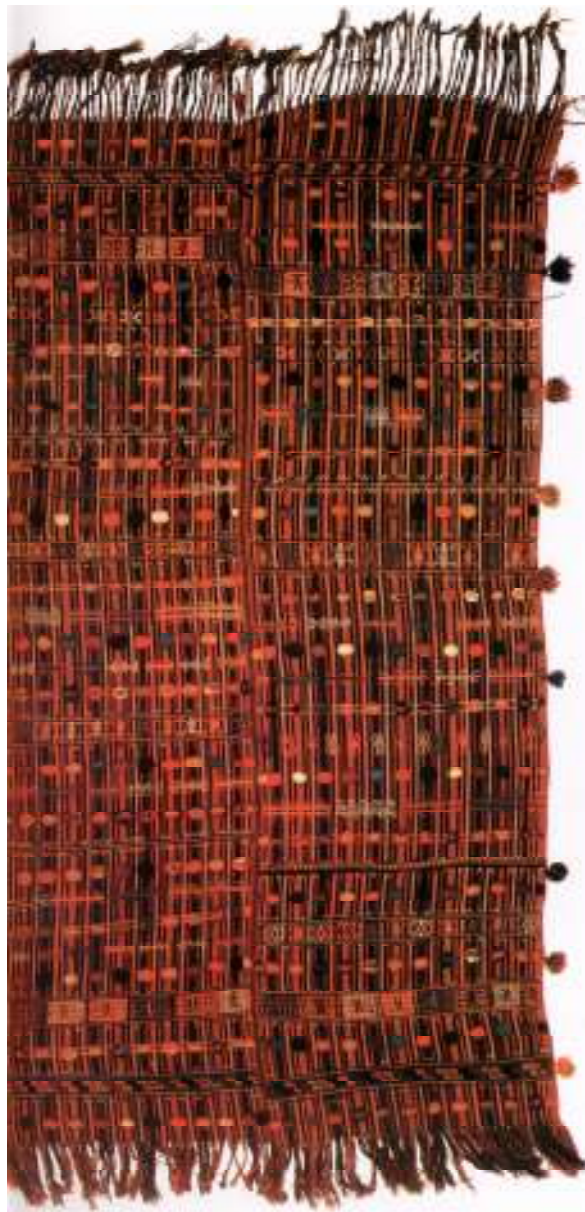
ساوه: ۱/۴۲×۳/۴۲ قطعه‌ای متمایز که مشخصات سجاده‌های ناحیه آناتولی را دارد و در اصل مربوط به منطقه‌ای مابین ساوه و قزوین است شیوه بافت این گلیم بافت پود معلق است و طرح‌های نخی ضخیم آن شبیه به پشم‌های کردستان است.



این کلیم که توسط بافندگان نیمه چادرنشین کرد در اطراف قزوین بافته شده اشکال بدیع فراوانی دارد. متن آن دارای نگاره‌های ترکی است که توسط نوارهایی باریک با طرح‌های دوسر از یکدیگر جدا شده است.



قشقای: رنگ‌های متنوع موجود در محیط زندگی چادرنشینان قشقای در گلیم‌های آنها نیز منعکس می‌شود.



کردهای خراسان: ۲/۲۱×۱/۱۴ متر رواندازی مربوط به نواحی قوچان و بجنورد در شمال غربی مشهد این روتختی در اواخر قرن نوزدهم در دو تکه بافته شده و بر روی زمینه‌ای ساده و یکدست و پودهای اضافی و جایگزین به کار رفته است. تزئینات اضافه شده عبارتست از ریشه‌های طویل و منگوله‌های تزئینی در دو طرف روانداز.



لز: نگاره‌های ترکی که در داخل هر یک از ترنج‌ها به چشم می‌خورد، در بسیاری از گلیم‌ها وجود دارد.



پشم بسیار تیره و قهوه‌ای رنگ به کار رفته در طرح‌های چپ و راست معکوس نمایانگر این موضوع است که گلیم فوق توسط کردهای ورامین بافته شده است.



هرسین: رنگ‌های سرخ و سفید ابرش زمینه به این دست بافت منطقه شمالی کردستان حیات و نشاط می‌بخشد.



افشار آذربایجان حاشیه‌های باریک و ردیفی از مشخصات گلیم بافته‌های شمال غربی ایران به شمار می‌آید.



کرمان: شیوه پیچ‌بافی فشرده و طرح‌های متمایز حاشیه‌ای از مشخصات گلیم‌های این ناحیه از ایران است.



ت- ۴۶- کردهای خراسان

از مراکز مهم این صنعت در جهان

از جمله کشورهایی که از دیرباز به امر بافندگی گلیم مشغول بوده و هستند می‌توان به مراکش، الجزایر، تونس از آفریقای شمالی، کردستان ترکیه و عراق، قفقاز، سواحل دریای سیاه و آناتولی شمالی، آناتولی اژه، آناتولی غربی، آناتولی مدیترانه، قونیه و نواحی اطراف آن حلب، و همین‌طور افغانستان و آسیای مرکزی اشاره نمود. در اینجا چند نمونه از آن به اختصار آورده شده است.

ترکیه: بافت گلیم در ترکیه همانند ایران با بافت چاک‌دار و نقوش هندسی و درشت با سمبل‌ها و نمادهای کهن از جمله شاخ گاو، الهه مادر در مناطق جنوب‌شرقی و شرق ترکیه کار می‌شود. رنگ‌های به‌کار رفته در این گلیم‌ها رنگ‌های زنده و نزدیک به رنگ‌های اصلی هستند. از مراکز مهم بافت گلیم در ترکیه می‌توان شهرهای سیواس، ملیطه، قونیه، ابروک، وان، غازی‌انتب، سینان و کچی محسن را نام برد.

بافت گلیم مناطق کردنشین ترکیه (آناتولی شرقی)

امروزه بافندگی کردها در این منطقه به ندرت ادامه دارد و بافت گلیم صنعتی روستایی است. البته در مناطقی چون قارص و ملیطه به منظور تجارت بافندگی نیز می‌کنند. گلیم کردها به‌طور کلی با بافت چاک‌دار و پیچ‌باف و با رنگ‌های تیره نقش‌پردازی می‌شود.

گلیم وان از جمله گلیم‌های مشهور این منطقه است. شهروان در جنوب‌شرقی در ناحیه وان بزرگ‌ترین آبگیر آناتولی و دومین آبگیر در خاورمیانه قرار گرفته است. گلیم وان از روی ترکیب‌بندی و رنگ‌آمیزی آن به آسانی قابل تشخیص است.

طرح‌های اصلی غالباً از یک جفت ترنج الماسی شکل قلاب‌دار تشکیل می‌شود و طرح‌های دیگر شامل ترنج‌های کوچک‌تر و نگاره‌های قلاب‌دار در ردیف افقی است که معمولاً با نوارهای عمودی به رنگ متضاد تزئین می‌شود. نوارهای افقی که با نگاره‌های خاص گوشه کوچک تزئین می‌شود نیز به‌کار می‌رود. گاهی این طرح شامل نوارهای پهن به رنگ ساده به همراه نوارهای باریک‌تر پرنقش است. حاشیه، باریک و دارای طرح قیقاج و نقش‌های قلاب‌دار است. رنگ‌های این نوع گلیم شامل انواع تیره قرمزها و آبی‌ها با مقداری سفید است. اخیراً مقداری کم نارنجی،

سبز، صورتی نیز دیده می‌شود. استفاده از الیاف فلزی نیز در این منطقه مرسوم است اما به مرور زمان درخشندگی آن از بین می‌رود و فقط با دقت نظر قابل تشخیص است.^{۱۰}

غازی انتب (عین تاب) یا گازی ئانته ب (Gazi Antab)

این شهر در جنوب شرقی ترکیه در نزدیکی رود فرات و مرز سوریه قرار گرفته است. گلیم غازی انتب با نوارهای افقی رنگارنگ با سه نشان الماسی شکل دنداندار تزئین می‌شود که طرح اصلی گلیم را به همراه نگاره‌های ستاره مانند تشکیل می‌دهد. حاشیه‌های باریک گلیم با نقش‌های دوجانبه و نگاره‌های مکرر تزئین می‌شود و ریشه‌های گره‌دار یا گیس‌باف و رنگ‌های تیره، خصوصاً قرمز از مشخصات گلیم غازی انتب است. گلیم‌های بزرگ مستطیل شکل در دو قطعه و گلیم‌های کوچک با بافت چاک‌دار و پشم ریز تاب بافته می‌شود.^{۱۱} بافت گلیم در غازی انتب از مدت‌ها پیش متوقف شده است.

سیواس در قرن سوم میلادی شهری رومی به نام سبا سیتا و پایتخت ارمنستان صغیر بود. مناطق اطراف سیواس غالباً زراعتی است، اما شهر سیواس با راه‌آه‌نی که به باز یافتن اهمیت اقتصادی گذشته کمک کرده، کاملاً امروزی شده است. در این منطقه، سجاده، گلیم بزرگ در دو قطعه و گلیم‌های کوچک بافته می‌شود. طرح گلیم‌های سیواس با ترنج‌های بزرگ شبیه به گلیم‌های ملیطه است که با ترنج‌های مستطیلی بزرگ مرکزی و انواع نگاره‌های قلاب‌دار مکرر است. در حالی که گلیم‌های کوچک‌تر دارای چند حاشیه با انواع گوناگون نگاره است. رنگ‌های گلیم سیواس خصوصاً قرمزها و سبزها روشن‌تر از گلیم‌های کردی است. شیوه‌های بافندگی بسیار گوناگون است اما غالباً بافت چاک‌دار به کار می‌رود.^{۱۲}

ملیطه: شهری با یک خیابان اصلی چند کیلومتری است که در حاشیه رودخانه توهماسویو و قله کوه‌های مرتفع توروس شرقی قرار گرفته است. بافندگی از سال‌ها پیش در این منطقه رواج داشته است. ملیطه قدیم که روزی از شهرهای مهم ارمنستان صغیر بوده در همان حوالی قرار دارد.^{۱۳}

گلیم‌های بزرگ را به سه یا چهار ترنج مرکزی و گلیم‌های کوچک را تنها با یک ترنج مرکزی تزئین می‌کنند. پاره‌ای از این گلیم‌ها را به نام یکی از قبایل کردی که در آناتولی مرکزی و شرقی سکونت داشته، شوان می‌نامند. بافت بسیار دشوار این نوع گلیم به دلیل طرح‌های بغرنج و بسیار پرنقش و نگار آنها است. مسلماً بازار ارزش این گلیم‌ها را کمتر از بهای واقعی آنها ارزیابی کرده است.^{۱۴}

کردهای عراق: از مردم آسیای مرکزی‌اند که در مناطق کوهستانی شمال و شمال‌شرقی عراق گرد آمده‌اند. از مشخصات گلیم کردی نوعی پیچ‌بافی با پودهای بلند معلق بر پشت دست‌باف و ریشه‌های بلند گیس‌باف است. گلیم‌های کردی عراقی، صرف‌نظر از برخی گلیم‌های حرقیان (از قبایل بافنده کرد) در بازارها کمیاب است.^{۱۵}

سوریه: از شهرهای سوریه می‌توان حلب را نام برد. امروزه حلب شهری در سوریه است، اما از قرن ۱۵ تا اوایل قرن ۱۹ میلادی جزئی از امپراتوری عثمانی بوده است. از این‌رو گلیم حلب را که متعلق به گذشته است از آثار آناتولی می‌شمارند. ظاهراً بافت گلیم در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در این شهر از میان رفته، خصوصاً که نمونه‌های متأخر به دست نیامده است. گلیم‌های حلب دارای بافت ظریف و نقش‌های دوجانبه‌ای است که زمینه و حاشیه را به هم متصل می‌کند و نگاره‌های مشابهی در حاشیه‌ها دارد.^{۱۶}

افغانستان: جنگ طولانی مدت افغانستان از سال ۱۹۷۹ بیشترین مناطق کشور و ساختار اجتماعی فرهنگی آن را نابود کرد. میلیون‌ها تن افغانی به کشورهای همسایه پناهنده شدند. خرابی‌ها و مهاجرت‌ها و ترک محیط امن خانواده و وطن و فرار به کشور غریب با آب و هوای متفاوت، بسیاری از صنایع به‌ویژه صنعت بافت گلیم را متوقف ساخت، حتی منبع پشم بافندگان یعنی گوسفندان نیز به دلیل استفاده از گوشه‌شان نابود شد.

در هر حال اخیراً طرح‌های گوناگونی در میان پناهندگان استان مرزی پاکستان در شمال‌غربی و نزدیکی کتا در بلوچستان به مرحله اجرا درآمد و گلیم‌های جدید با نخ وارداتی مریوس بافته می‌شود. پشم‌ها به شکل محلی با استفاده از رنگ‌های شیمیایی اروپای شرقی، چین و هندوستان رنگ می‌شود.



گلیم افغانستان غالباً از طرح‌های ریتمی و تکراری و خطوط موازی ۵ تا ۱۵ سانت در قبل از شروع حاشیه در ابتدا و انتهای گلیم استفاده می‌شود. بافت آن چاک‌دار و در موارد بسیار محدود بافت ورنی که بافت محکم‌تری دارد کار می‌شود. گلیم‌هایی در بعضی از مناطق شمال افغانستان با بافت ریزتر نیز وجود داشته که برای بالاپوش استفاده می‌شده است.^{۱۷}



کرد عراقی به شیوه بافت چاپ‌دار بافته شده است.



ابروک ۲/۱۲×۱/۲۴ متر از این گلیم دلپذیر قرن نوزدهم به تعداد کافی باقی مانده است تا رنگ آمیزی فوق العاده و طرح اصیل آن مورد تحسین قرار گیرد.



اوشاق: ۱/۰۸ × ۱/۶۶ متر این گلیم حدود سال ۱۹۸۵ بافته شده است.



افغان: ۲/۱۳×۱/۳۷ متر. بافندگان ازبک و ترکمن نیز این گلیم طرح میمنه را، کپی می کنند.



افغان: بافنده این گلیم از روی طرح گلیم‌های ایرانی- ترک نسخه‌برداری کرده و گلیمی مدرن و جذاب را در اردوگاه‌های نیمه موقت پناهندگان بافته است.



قونیه: ۱/۱۴ × ۱/۵۰ متر طرح اصلی این کلیم نمادی از یک لاک پشت است.



نقشه‌های مربوط به کردهای ترکیه با سمبل‌هایی از قلاب، الههٔ مادر و بچه، حرف S و ساعت شنی
(حرف S نشانهٔ خوش اقبالی است)





نقشه‌های مربوط به کردهای ترکیه با سمبل‌هایی از قلاب، الههٔ مادر و بچه، حرف S و ساعت شنی (حرف S نشانهٔ خوش اقبالی است)



نمونه‌هایی از گلیم‌ها و قالیچه‌های موزه‌ای

















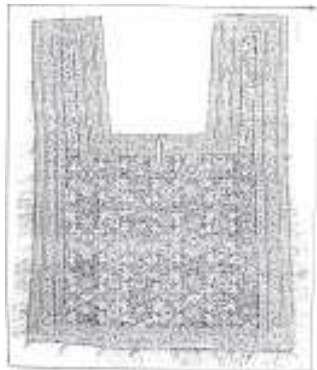




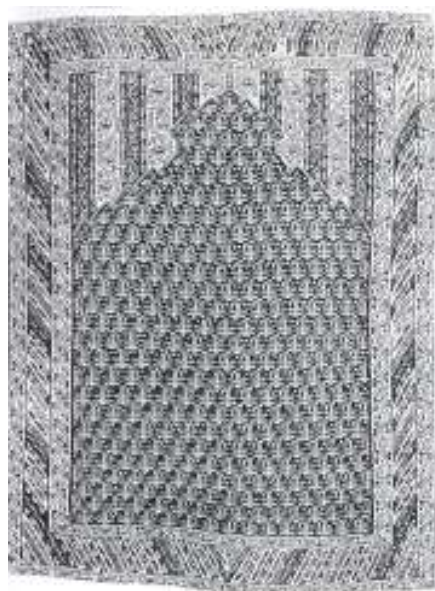
مناطق کوهستانی: روستای دورود مریوان خانواده شیخ عثمان
تاریخ: ۱۹۷۸ اندازه ۶۳×۳۷ بافته شده به وسیله خانواده شیخ عثمان نقشه از طرح قالیچه سنه کپی
شده



بیجار: ۱۹۰۵ این فرش با فرش اردبیل در موزه آلبرتو ویکتوریا رقابت می کند



گلیم سنه: جل اسب نیمه دوم قرن نوزده کردستان ایران



گلیم زیر جانمازی سنه کردستان ایران: اوایل قرن ۱۹ نقشه گلیم به صورت سر و شانه‌های یک نمازگذار طراحی شده است که از اطراف به وسیله ستون‌های عمودی که شامل گل‌های پریچ و خم می‌باشد احاطه شده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. *اطلس ملی ایران*، صنایع دستی، جلد ۱۴ بخش تعاریف.
۲. هال، آلستر و جوزه لوچییک و یو وسکا، گلیم، ص ۱۲.
۳. همان، ص ۱۴.
۴. همان، ص ۱۷.
۵. همان، ص ۳۲۷.
۶. همان، ص ۲۱۲.
۷. همان.
۸. سوکه: میله‌ای به طول ۲۰ الی ۲۲ سانتی‌متر که یک سر آن مانند میخ باریک و تیز است و سر دیگر آن پهن است و بافنده به اقتضای نوع نقشه از هر دو سر آن استفاده می‌کند.
۹. دغه: در گویش کردی کلکیت (Kallcieat).
۱۰. هال، آلستر و جوزه لوچییک و یو وسکا، گلیم، ص ۱۲۷.
۱۱. همان، ص ۱۲۸.
۱۲. همان، ص ۱۲۹.
۱۳. همان، ص ۱۳۱.
۱۴. همان، ص ۱۳۲.
۱۵. همان، ص ۱۳۴.
۱۶. همان، ص ۱۸۶.
۱۷. همان، ص ۳۵۳.

منابع

- آذرباد، حسن و فضل اله حشمتی رضوی، *فرشنامه ایران*، ناشر مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه) وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- آلستر هال و جوزه لوچییک و یووسکا، گلیم، مترجمان شیرین همایون‌فر و نیلوفر الفت شایان.
- *اطلس ملی ایران*، صنایع دستی *مجله هالی*، جلد چهارده، نگارش متون و گردآوری اطلاعات و آمار حسین یآوری.
- جزایری، زهرا، *شناخت گلیم*، انتشارات سروش.
- خمایی، مهین، هنر و مردم - *کارگاه قالی و گلیم و نگاهی به تاریخچه قالی بافی و گلیم بافی*.
- دست‌ها و نقش‌ها، *ویژه‌نامه فرش*، شماره یک، تابستان ۷۳، مقاله «تأثیر تصویرپردازی بر طرح فرش‌های کردی»، آلبرتو لوی، ترجمه کلود کرباسی.
- *سیر در صنایع دستی ایران*، ویراستاران جی. گلاگ و سومی هیراموتو، انتشارات وزارت و فرهنگ آموزش عالی.
- صمدی، سید عبدالله، *نقش‌های کلاه کردی (رویه کانی کلاوی کوردی)*، ناشر انجمن فرهنگی سوئد - کردستان، ۱۹۹۷.
- وولف، هانس ای، *صنایع دستی کهن ایران*، سیروس ابراهیم‌زاده، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
- هانگلدین، آرن، *قالی‌های ایران*، مترجم اصغر کریمی، ناشر انتشارات فرهنگسرا (یساولی).
- Eagleton, William, *an jntroduction to kurdish rugs and other weavings*.

عکس‌ها از:

تحقیق میدانی، گلیم آلسترهال، فرش‌های کردی، سایت‌های اینترنتی.